



کانون نویسندگان ایران

حق تشکل یابی زحمتکشان فکری باید به رسمیت شناخته شود!

کانون نویسندگان ایران در مقام یکی از نهادهای مدافع حقوق صنفی نویسندگان و زحمتکشان فکری باید از حق فعالیت آزاد برخوردار باشد!

با قتل عمدی بکتاش آبتین، عضو فعال و برجسته کانون نویسندگان ایران در زندان جمهوری اسلامی، دیگر بار اهمیت حقوق و آزادی‌های دموکراتیک از جمله آزادی بیان و اندیشه همراه با خواست حقوق صنفی-رفاهی و سیاسی نویسندگان و هنرمندان در جایگاه بخشی از طیف زحمتکشان فکری جامعه ما، در سطحی گسترده در کشور مطرح شد.

در این رابطه کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ای که به مناسبت جان باختن بکتاش آبتین منتشر کرد نوشت: "مردم ایران! آزادی‌خواهان ایران و جهان! حاکمیت آزادی‌ستیز بکتاش آبتین را به قتل رساند. بکتاش آبتین (۱۳۵۳-۱۴۰۰) شاعر، فیلم‌ساز، و عضو

ادامه در صفحه ۳

نامه کارگری ضمیمه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۵، ۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۰

هپکو، نمونه‌ای که نباید فراموش کرد

کارگران هپکو در تجمع‌های اعتراضی و اعتصاب‌های سال‌های اخیرشان به سرشت واقعی رژیم در نقض آشکار حقوق کارگران و منافع ملی جهت پیش‌برد سیاست تعدیل

ساختاری و بی‌پایه بودن وعده‌های کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی به‌خوبی پی برده‌اند. علاوه بر کارگران هپکو، اعتراض‌های گسترده زحمتکشان، صدور بیانیه مشترک چندین تشکل مستقل بازنشستگان، و فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در ۳ بهمن‌ماه نیز نمونه‌هایی بارز از شناخت بی‌پایه بودن این وعده‌های حکومت از سوی زحمتکشان فکری و یدی است. تجمع‌های سراسری کارکنان دادگستری در دهه‌های گذشته کشور در ۱۸ دی‌ماه و در اعتراض به پایین بودن حقوق و رد طرح تسری فوق‌العاده خاص در دولت و مجلس، نشانی دیگر از تجربه مشابه طیف گسترده زحمتکشان مانند کارگران هپکو است. کارکنان دادگستری علاوه بر اعتراض به وضعیت وخیم معیشتی‌شان، خواستار استقلال و کلا و قوه قضائیه بودند. تکرار هرروزه شعار حمایت از تولید داخلی آن هم سال‌ها پس از وارد آوردن ضربه‌های مهلک خصوصی‌سازی بر روند تولید در هپکو و هم‌زمان آزاد گذاشتن کامل واردات ماشین‌آلاتی که هپکو شدیداً نیاز به تولید آن‌ها را دارد، سرشت واقعی رژیم را به کارگران هپکو نشان داده است. اینک نیز دولت رئیسی با طرح احیای کارخانه‌ها و حذف سهم بیمه کارفرمایان درصدد فریب زحمتکشان برآمده است. تجربه هپکو پیش روی ماست و نشان می‌دهد که کارگران و زحمتکشان میهن‌مان فریب وعده‌های بی‌پشتوانه را نخواهند خورد. نمونه کارخانه هپکو و ادامه اعتراض کارگران نباید از نظر دور بماند.

قبل از خصوصی‌سازی شرکت هپکو در سال ۱۳۸۶ این شرکت سالانه بیش از دو هزار دستگاه تولید می‌کرد، اما بعد از خصوصی‌سازی و در سال ۱۳۹۵ این تعداد به سالی تقریباً ۱۰ دستگاه کاهش یافت. بعد از سال‌ها غارت شرکت هپکو و به‌وجود آوردن بدهی کلان برای آن از سوی مدیران تحمیل شده توسط دولت و سال‌ها مبارزه تحسین‌برانگیز کارگران هپکو، سال گذشته سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان سهامدار عمده شرکت هپکو، "هزار و ۱۹۸ میلیارد تومان" از بدهی هپکو به بانک‌ها را تهاوت کرد. در مقابل تهاوت بدهی‌های هپکو، کارگزاران رژیم به ارائه "سند مالکیت زمین هپکوی اراک، دفتر مرکزی تهران و مس طارم هپکو به‌نام سازمان" تصمیم گرفتند. بر اساس گفته‌های کارگران هپکو، "مس طارم برای هپکو بسیار حیاتی است" و این معدن می‌تواند کمک حال هپکو باشد. بعد از ادامه ماه‌ها مبارزه کارگران، درنهایت واردات ماشین‌آلات معدنی در دولت روحانی به‌اصطلاح متوقف شده بود، اما واردات ماشین‌آلات همچنان ادامه داشت. کارگران هپکو ۱۳ آذرماه سال جاری در نامه‌ای به رئیسی و انتقاد شدید از صدور مجوز واردات ماشین‌آلات معدنی، "تبلیغات گسترده و مانورهای فراوان دولت در جهت حمایت از تولید داخل" را زیر ضرب گرفتند و هپکو را "نماد مقاومت و

ادامه در صفحه ۳

بودجه سال آینده، و اولویت‌های جنبش اعتراضی زحمتکشان در مرحله کنونی

تدوین لایحه بودجه سال آینده توسط دولت ابراهیم رئیسی و سپس تصویب کلیات آن در مجلس به‌بحث درباره سهم هریک از لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی از درآمدها و هزینه‌ها که در بودجه بازتاب یافته دامنه گسترده‌تری بخشید. مقارن با تصویب کلیات لایحه بودجه با حضور رئیسی در مجلس، علی‌خامنه‌ای نیز طی سخنرانی‌ای سیاست رسمی حکومت برای حل‌وفصل مسئله هسته‌ای را علنی کرده و از "تعامل با دشمن" سخن گفت. هم‌زمانی موضع‌گیری ولی فقیه پیرامون مذاکرات جاری در وین و تصویب کلیات لایحه بودجه در مجلس نشانگر راهبرد حکومت جمهوری اسلامی در مقطع زمانی کنونی است. رژیم از سویی به‌هدف حفظ نظام به ترمیم مناسبات با امپریالیسم برآمده و از دیگر سو با اجرای نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری در عرصه اقتصادی - اجتماعی یعنی برنامه ویرانگر و ضد ملی تعدیل ساختاری که آماج آن حفظ منافع کلان سرمایه‌داری حکومت است مبادرت می‌کند. این دو محور کلی هسته مرکزی سیاست نظام را مشخص می‌نماید. به‌دنبال موضع‌گیری خامنه‌ای و سفر رئیسی به مسکو و ابراز تمایل وزیر خارجه جمهوری اسلامی به مذاکره مستقیم با طرف آمریکایی در جریان نشست وین، ابراهیم رئیسی نیز در گفتگویی تلویزیونی کارنامه تا کنونی دولت‌ش را

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان دهی مبارزه سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی و سرکوب حقوق صنفی!

ادامه بودجه سال آینده، و اولویت‌های جنبش

مثبت ترسیم و ابعاد گوناگون سیاست دولت و حکومت در قبال نارضايتی ژرف اجتماعی و اعتراض‌های رو به گسترش به‌ویژه اعتصاب و اعتراض‌های کارگران و زحمتکشان را با مانوری به‌دقت از پیش محاسبه شده بیان کرد. او در این گفتگوی تلویزیونی از جمله یادآور گردید: «به‌دلیل تورم حقوق و مزایا کفاف زندگی مردم را نمی‌دهد... ما تیمی را مأمور کردیم تا نظام هماهنگ پرداخت تهیه شود... اگر این نظام عادلانه را نداشته باشیم، باید به‌چانه‌زنی متوسل شویم. اقشار مختلف درست می‌گویند که حقوق آن‌ها کم است» [۱]. اینها، ۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۰. البته رئیس‌ی روشن نمی‌کند این نظام عادلانه پرداخت چیست و چگونه می‌توان از عادلانه بودن این نظام پرداخت سخن گفت بدون آنکه در تدوین چنین نظام پرداختی نمایندگان واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان شرکت نداشته باشند. برای آنکه به‌عیار واقعی سخنان رئیس‌ی بی‌بریم و دروغ‌های او را افشا کنیم توجه به‌فایده بودجه و نیز موضع‌گیری‌های دولت، ولی‌فقیه، مجلس، و دیگر ارگان‌های رژیم ولایت‌فقیه، مفید خواهد بود.

تنظیم نخستین لایحه بودجه توسط دولت برگزیده ولی‌فقیه این پرسش را مطرح می‌کند: سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی این دولت به‌سود کدام لایه و طبقه اجتماعی است؟ برای پاسخ به‌این پرسش کلیدی ابتدا باید یادآوری کنیم که بودجه در حقیقت سندی بسیار مهم است که درآمد و هزینه یا به‌بیان ساده‌تر: دخل و خرج دولت را به‌مدت یک سال مالی مشخص می‌سازد. با توجه به بحران فراگیر و رکود اقتصادی ناشی از اجرای سیاست‌های ضد مردمی که از آزادسازی اقتصادی است و با فشار تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم همراه شده، بودجه سال آینده به‌رغم کلی‌گویی‌ها و عوام‌فریبی حاکمیت همچنان در چارچوب برنامه ویرانگر تعدیل ساختاری تدوین گردیده و سهم لایه‌های اجتماعی ثروتمند، انگلی، دل‌های عمده، رانت‌خوارها، و شرکت‌های خصوصی دل‌ال، نگاه‌های بزرگ مالی، و بنیادهای انگلی حکومتی، و سپاه پاسداران از درآمدهای بودجه تأمین و تضمین شده است. درحالی که بار اصلی تأمین هزینه‌هایی که بودجه برای سهم بردن این لایه‌های انگلی تدوین کرده بر دوش لایه‌های اجتماعی آفریننده تولید ملی، زحمتکشان شهر و روستا، به‌ویژه طبقه کارگر گذاشته شده است. از این‌روی، لایحه بودجه سال آینده تأمین‌کننده منافع طیف‌های قدرتمند سرمایه داری مالی - تجاری حامی و تکیه‌گاه حکومت جمهوری اسلامی به‌بهای تحمیل بیش‌تر بار بحران بر دوش تهی‌دستان جامعه است. صحبت‌ها و ابراز نظرهایی مانند اصلاح قوانین تأمین اجتماعی، افزایش سن بازنشستگی، اصلاح قانون کار، حذف ارز ترجیحی، و طرح مزد منطقه‌ای، همه و همه این‌ها، به‌همین سبب است و با زمینه‌سازی‌ها و تبلیغاتی که از چند ماه پیش آغاز شده در صدر بحث‌ها و برنامه‌های اجرایی دولت، مجلس، قوه قضاییه، و در اولویت فعالیت‌های دیگر نهادهای حکومتی قرار داشته و گنجانده شده‌اند. علاوه بر این‌ها، با توجه به ساختار بودجه سال آینده و سهم مالیات‌ها و ترکیب هزینه‌ها، رشد فقر و فلاکت در جامعه بی‌تردید متوقف نخواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، با چنین بحث‌ها و برنامه‌هایی بحران اقتصادی و تورم نه‌تنها مهار و کنترل نخواهد شد، بلکه بی‌تردید سطح زندگی توده‌های مردم تنزل بازم بیشتر می‌یابد. مصوبه کمیسیون تلفیق مجلس پیرامون حداقل دریافتی ماهیانه ۵ میلیون تومان و افزایش حداقل ۱۰ درصدی حقوق کارکنان دولت نمی‌تواند به‌معنای تقویت یا ترمیم سطح زندگی و درآمد طبقه کارگر و زحمتکشان باشد. با چنین ساختاری از هزینه‌های جاری و دولتی که در لایحه بودجه به‌چشم می‌خورد از یک سو شاهد افزایش تقاضای کسانی می‌شویم که از رانت حکومت برخوردار بوده و از هزینه‌های دولت مستقیم و غیرمستقیم سودهای کلان می‌برند، اما از دیگر سو مطابق محاسبه‌های مندرج در لایحه بودجه رشد ظرفیت تولید فقط در حد شعار باقی مانده و نرخ تورم و بیکاری مسیر صعودی خود را طی خواهند کرد. بنابراین، زمینه‌ای برای حتی کاهش یا ترمیم اختلاف طبقاتی هولناک و حرکت به سمت برقراری عدالت اجتماعی برخلاف مدعیات عوام‌فریبانه ولی‌فقیه، دولت، و مجلس رخ نداده و رخ نخواهد داد. به‌عبارت دقیق‌تر، با ساختار بودجه سال آینده اختلاف درآمد و ثروت در لایحه‌های اجتماعی بازم تشدید شده و بخش خصوصی دل‌ال و غیرمولد همراه با فربه‌تر شدن نهادهای انگلی حکومتی و مذهبی حکومتی از درآمدهای ملی همچنان سهم بیشتری را به‌سود خود و به‌زیان اقتصاد ملی و منافع توده‌های مردم تصاحب می‌کنند.

با توجه به ساختار بودجه که به‌صورتی فشرده به آن اشاره کردیم، مسئله افزایش مزد و تأمین امنیت شغلی و به‌طورکلی خواسته‌های فوری طبقه کارگر و زحمتکشان چه مسیری را طی خواهد کرد؟ نکته بسیار مهم در این خصوص که باید بر آن تأمل کرد تأکید دولت و دیگر نهادهای حکومتی بر نظام کنونی دستمزد و کوشش برای اجرای برنامه آزادسازی مزد است. بودجه سال آینده

به‌روشنی تمام زمینه‌های اجرای برنامه آزادسازی مزد را در نظر گرفته است. مواضع رئیس‌ی در گفتگوی تلویزیونی که پیش‌تر به آن اشاره کردیم به‌ویژه هنگامی که او در خصوص «چانه‌زنی» تأکید دارد دقیقاً بر این سیاست یعنی برنامه‌ریزی همه‌جانبه به‌هدف آزادسازی مزد به‌دنبال حذف نرخ ارز ترجیحی ناظر است. آنچه نظام دستمزدی در حکومت جمهوری اسلامی نامیده می‌شود بر سرکوبگری و نقض خشن حقوق سندیکایی - صنفی و سیاسی طبقه کارگر و طیف زحمتکشان فکری و بدی کشور مبتنی است. نظام دستمزدی کنونی منافع کلان سرمایه‌داری به‌ویژه بخش‌های دل‌ال و غیرمولد را تأمین می‌کند و به‌شدت به‌زیان کارگران و زحمتکشان است. بودجه سال آینده به‌این سرکوب مزدی ابعادی گسترده‌تر داده است. دولت و مجلس بر پایه اقتصادی مقاومتی ولی‌فقیه، طرح آزادسازی دستمزد را زیر نام‌های دستمزد پلکانی، دستمزد منطقه‌ای، و دستمزد صنفی درحالی طرح و تبلیغ می‌کنند که مطابق آمارهای رسمی سهم دستمزد از تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱۰ درصد است. همچنین در بودجه سال آینده درست در نقطه مقابل منافع کارگران و زحمتکشان و با بی‌اعتنایی مطلق به‌خواست آنان برنامه خصوصی‌سازی و آزادسازی قیمت‌ها بئ‌مایه اصلی بودجه را تشکیل می‌دهند. بی‌دلیل نیست که هم‌زمان با ارائه لایحه بودجه سال آینده به مجلس نایب‌رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با صراحت اعلام کرد تبصره‌های ۱ تا ۵ لایحه بودجه با حضور معاون سازمان برنامه‌بودجه، کارشناسان دیوان محاسبات، و مرکز پژوهش‌ها بررسی شده و طی آن با رفع محدودیت بانک‌ها به‌منظور سرمایه‌گذاری و تصاحب املاک و دارایی‌ها موافقت شد. باز گذاشتن دست بانک‌های خصوصی که با رشته‌های بسیار با انواع محفل‌های قدرتمند سیاسی و مالی رژیم، سپاه پاسداران، و بنیادهای انگلی در پیوند هستند به‌چه معناست؟! این سیاست هنگامی در دستورکار قرار گرفته که مجلس نیز با طرح ضد کارگری حمایت از احیای کارخانه‌ها در پی مقررات‌زدایی و انعطاف‌پذیر کردن روابط کار در اوضاع کنونی است. چنین خصوصی‌سازی‌ای گسترده با طرح موضوع‌هایی مانند اصلاح قانون کار و تغییر قوانین سازمان تأمین اجتماعی در ارتباط تنگاتنگ است.

یکی از مهم‌ترین خواسته‌های طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در مقطع زمانی کنونی افزایش عادلانه دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم و هزینه سبد معیشت است. با آنکه درباره مواد، تبصره‌ها، و ساختار کلی بودجه اشاره شد می‌توان این نتیجه درست را گرفت که تحقق خواسته‌هایی مانند ترمیم و افزایش مزد، توقف خصوصی‌سازی و همسان‌سازی مزد و نظایر آن در چهارچوب سیاست‌ها و اقدام‌های شکل‌های زرد حکومتی و نگرش معین سندیکایی که قائل به محدود ساختن مبارزه در چهارچوب خط فرمزه‌های نظام هستند، امکان‌ناپذیر است. از این‌روی، یکی از وظایف اصلی در این مرحله تشدید مبارزه و ارتباط تنگاتنگ با توده‌های کارگر در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به‌هدف سازمان‌دهی جنبش اعتراضی زحمتکشان است. به‌علاوه، نباید فراموش کنیم جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی با توجه به تحول‌های سیاسی و مبارزه طبقاتی جاری در سطح جامعه ما باید پیوند با مبارزات زنان، جوانان و دانشجویان و روشنفکران و نویسندگان علیه دیکتاتوری ولایتی را تحکیم و تقویت کنند و همراه با آن ضمن تقویت موقعیت جنبش همگانی ضد دیکتاتوری، اقدام‌های مخرب امپریالیسم و وابستگان آن‌ها برای ارتگداری و به‌انحراف کشاندن مبارزات پیگیرانه اقدام - بحران اقتصادی - اجتماعی و ناتوانی استبداد حاکم در تأمین خواسته‌های مردم به نارضايتی گسترده اجتماعی دامن زده است.

حرکت‌های سندیکایی و جنبش اعتراضی کنونی زحمتکشان هرچه بیشتر باید به سمت تشدید مبارزه سازمان‌یافته با طرح خواسته‌های صحیح در چهارچوب ظرفیت‌های کنونی جنبش گام به‌پیش بردارند. به‌گمان ما با طرح خواسته‌های مشترک در چهارچوب یک اتحاد عمل فراگیر می‌توان به مقابله با سیاست‌های ضد کارگری و ضد مردمی حکومت جمهوری اسلامی برخاست. خواسته‌های فوری مشترک عمده مانند: احیای حقوق سندیکایی و حق تشکیل‌ی مستقل زحمتکشان، افزایش عادلانه دستمزد، توقف خصوصی‌سازی، لغو قراردادهای موقت و حذف پیمانکاران نیروی کار، اجرای همسان‌سازی و مزد مساوی در برابر کار مساوی، طبقه‌بندی مشاغل و رتبه‌بندی معلمان، جلوگیری از افزایش سن بازنشستگی، و حفظ دارایی‌های زحمتکشان در سازمان تأمین اجتماعی.

جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی میهن ما نیازمند اتحاد عمل فراگیر و تشدید مبارزه برای دستیابی به حقوق راستین زحمتکشان است. جلسه‌های نمایشی کمیته مزد در روزهای اخیر و زمینه‌سازی برای آغاز نشست‌های شورای عالی کار که در آن میزان حداقل دستمزد سال آینده تعیین خواهد شد، اهمیت مبارزه مشترک و متحد زحمتکشان کشور را آشکار می‌سازد. این نیاز ریشه در واقعیت‌های جامعه و منافع طبقه کارگر دارد. تحقق خواسته‌های فوری و تعیین اولویت‌های مبارزاتی از مسیر اتحاد عمل، استقلال عمل طبقاتی، همبستگی و مبارزه می‌گذرد!

تأمین امنیت شغلی و قرارداد رسمی خواسته کارکنان مخابرات است

کارهایی که طبع آن‌ها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود. در ماه‌های اخیر ۷۲ نفر از کارکنان شرکتی مخابرات استان خوزستان چون مدتی بدون قرارداد به کار خود ادامه داده بودند مشمول تبصره دو ماده ۷ قانون کار شدند. این گروه از کارگران به هیئت تشخیص و حل اختلاف شکایت کرده و رأی به نفع خود و همچنین حکم اجرای احکام از دادگستری دریافت کردند. این رأی قطعی لازم‌الاجراست، یعنی این کارگران نه تنها می‌توانند به کار خود بازگردند، بلکه قراردادشان از موقت به دائم باید تبدیل شود و کارفرما هم ملزم به پرداخت حق السعی آنان است. اما کارفرما حاضر به اجرای حکم نبوده و حراست مجموعه هم از ورود کارگران به محل کار ممانعت می‌کند. در این مورد کارگران به نهادها و مسئولان مختلف شکایت کرده‌اند. به عنوان نمونه، در جلسه‌ای در ۲۸ آذرماه با شرکت کارگران، مدیر دفتر نماینده خامنه‌ای در خوزستان، معاون سیاسی امنیتی استانداری، رئیس روابط کار خوزستان، و مدیر منطقه مخابرات خوزستان، قرار شد یک هفته به شرکت مخابرات مهلت داده شود تا حکم بازگشت به کار و تبدیل قرارداد موقت به دائم این نیروها را به طور کامل اجرایی کند. به‌رغم وعده مسئولان حاضر در جلسه و عملاً دستور به شرکت مخابرات، کارگران هنوز بدون دریافت دستمزد و اجازه ورود به محل کار خود سرگردان‌اند.

بار دیگر مانند سال‌های قبل روز ۷ دی‌ماه صدها نفر از کارگزاران مخابرات روستایی از استان‌های مختلف کشور به تهران آمدند و با خواسته‌های "اجرای این‌نامه استخدامی [سال ۱۳۸۹] شرکت مخابرات، رفع تبعیض، و برقراری عدالت مزدی" مقابل مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند. گرچه بعد از بارها سفر به تهران و برگزاری تجمع‌های اعتراضی در مقابل مجلس، این کارگزاران قرارداد دائم را به رژیم ولایتی تحمیل کرده‌اند، اما با وجود این و بنا به گفته نمایندگان کارگزاران مخابرات روستایی، در جلسه‌ای که روز ۲۳ دی‌ماه با نمایندگان مجلس و نمایندگان مخابرات در مجلس داشتند مطابق معمول نمایندگان مخابرات "اختیار تام در مورد توافقنامه‌ها... و حق امضا نداشتند." عیسی زارع پور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۱۹ دی‌ماه، در جلسه‌ای چند جانبه در مجلس، می‌گوید: "کارگزاران مخابرات روستایی هر روز خواسته جدیدی را مطرح کرده و به نوعی زیاده خواهند." نمایندگان کارگزاران مخابرات روستایی، ۲۸ دی‌ماه، در واکنش به گفته‌های زارع پور، با اعلام اینکه "خواسته‌های کارگزاران نه تنها جدید نیستند بلکه قدیمی، به حق، و قانونی هستند"، در ادامه گفتند: "برای یک‌بار هم که شده باشد این‌نامه استخدامی سال ۸۹ شرکت مخابرات را مرور بفرمایید... چرا در جهت رفع تبعیض، سنوات زمان دولتی را به سنوات زمان خصوصی شرکت تا تاریخ ۱۸/۸/۱۳۸۸ متصل نمی‌کنید... جهت پی بردن به اصل ماجرای تبعیض به فیش حقوق ۵ میلیونی کارگزاران روستایی و ۲۰ میلیونی کارکنان شهری نگاهی موشکافانه بیندازید... خواروبار یک میلیون و چهارصد هزار تومانی کارکنان شهری... [و] خواروبار ۶۰۰ هزار تومانی کارگزاران روستایی را به عنوان نمادی از تبعیض آشکار نمی‌بینید!"

۲۳ دی‌ماه ۶۴۰ کارگر شرکت پیمانکاری شسکام مخابرات گیلان مدت ده روز به مخابرات برای اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت مابه‌التفاوت حقوق کارگران، اصلاح قراردادهای، پرداخت منظم حق بیمه و تغییر اشل قرارداد بیمه تکمیلی، و پرداخت مزایای شغلی مانند حق لباس و حق شیفت و تعطیل کاری وقت داده بودند. کارگران به علت دریافت نکردن پاسخ مثبت در رابطه با خواسته‌هایشان روز ۲۸ دی‌ماه دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. اینک‌نامه‌ای از مخابرات به رؤسای اداری استان‌ها و شهرستان‌ها ارسال شد که حاضر نشدن کارگران در ساعت کاری در محل کار "اخلال در روند عادی شرکت" خوانده شده بود. کارگران بار دیگر نیز در روز ۲۹ دی‌ماه اعتصاب کردند. در موردی دیگر تعدادی از کارکنان مخابرات استان اصفهان در ۱۵ دی‌ماه بابت معوقات مزدی و رعایت نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل از سوی شرکت شسکام مخابرات به اداره کار شکایت کردند. کارگران شرکت شسکام مخابرات، ۴ بهمن‌ماه، گفتند: "به علت پیگیری حقوق خود، علاوه بر اخراج قطعی دو نفر از کارگران، شرکت با حذف اثر انگشت از ورود ۶۲ نفر دیگر از کارگران به محل کار نیز ممانعت می‌کند." خواسته‌های به حق زحمتکشان مخابرات فقط با اتحاد و مبارزه‌ای پیگیر تحقق خواهند یافت. این واقعیت را کارکنان زحمتکش مخابرات به تجربه دریافته‌اند.

ادامه حق تشکلیابی زحمتکشان فکری ...

دلور و برجسته کانون نویسندگان ایران را سرکوبگران آزادی‌گش عامدانه به قتل رساندند. ..."

نهاد فرهنگی و صنفی کانون نویسندگان ایران با همه فراز و فرودها و سایه‌روشن‌های حیاتش در راه اعتلای فرهنگی و دفاع از حقوق صنفی نویسندگان در مقام بخشی از زحمتکشان فکری جامعه ما در دوران رژیم شاه نیز همانند امروز زیر فشار و در پیگرد امنیتی قرار داشت. برخی از چهره‌های فعال و بنیادگذاران این نهاد صنفی در دو حکومت سلطنتی و جمهوری اسلامی در بسیاری موارد به بند کشیده شده و در معرض اهانت، آزار، و سال‌ها زندان قرار گرفته‌اند. این کانون همچون دیگر نهادهای صنفی مخالف استبداد در خلال چهار دهه گذشته با ترور، شکنجه، زیر نظر بودن مدام، فشارهای روحی و جسمی، و ممنوعیت فعالیت هنری و فرهنگی و اجتماعی از سوی ارگان‌های امنیتی روبه‌رو بوده است.

بکنش آبتین همانند دیگر زحمتکشان فکری و یدی میهن‌مان از این حق بدیهی و انکارناپذیر نیز بر اساس منشور جهانی حقوق سندیکایی برخوردار بود که طبیعتاً و بی کسب اجازه و بدون نظارت مقام‌های دولتی در نهادی صنفی فعالیت داشته باشد. او بدون تملق و چاپلوسی از حکومت جمهوری اسلامی با اعتقاد به حقوق راستین مردم از جمله مخالفت با سانسور به روشنگری و مبارزه‌ای ثمربخش به منظور تحقق آزادی اندیشه، بیان، و قلم همت گماشته و همچنین در دفاع از حقوق صنفی نویسندگان در کانون نویسندگان ایران فعالیت می‌کرد. زنده‌یاد آبتین به همین جرم به بیدادگاه کشانده شد و جانش را در راه آزادی بیان از دست داد. رژیم ولایت فقیه با قتل عمدی بکنش آبتین در نمونه دیگری از بی‌اعتنایی به منشور جهانی حقوق سندیکایی و با به زیر پا گذاشتن تمامی موازین اجتماعی و اخلاقی نشان داد که مخالف فعالیت مستقل نهادهای صنفی مدافع منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان فکری جامعه ماست.

حکومت جمهوری اسلامی به این ترتیب دشمنی کین‌توزانه‌اش با فعالیت آزاد نهادها و سندیکاهای مستقل و همچنین ستیز با حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فردی و اجتماعی را آشکار کرد. زحمتکشان میهن‌مان با این گونه اقدام‌های سرکوبگرانه به اهمیت هرچه بیشتر اتحاد بین زحمتکشان فکری و یدی به منظور احیا و برپایی نهادها و سندیکاهای مستقل کارگری نیز تشکلیابی مرتبط با امر زحمتکشان فکری به هدف دستیابی به حقوق چپاول شده‌شان پی برده‌اند و استوار و قاطع به مبارزه ادامه می‌دهند. زحمتکشان فکری جامعه به‌شمول نویسندگان و هنرمندان باید از حق تشکلیابی مستقل برخوردار باشند بی‌آنکه از سوی نهادهای امنیتی زیر نظارت، در پیگرد، زیر شکنجه، در حصار زندان‌ها قرار گیرند.

ادامه هیکو، نمونه‌ای که نباید ...

خودباوری در برابر رانت و فساد" خواندند. آنان در این نامه همچنین گفتند: "چرا یک بار برای همیشه نمی‌گذارید این واردات از طریق یک کارخانه تخصصی و به صورت شفاف تولید شود. به‌رغم نامه کارگران هیکو به رئیس، اخیراً معاون معدنی وزارت صمت با تأکید بر "ضرر هنگفت معادن از ممنوعیت واردات ماشین"، آزادسازی واردات را خواستار شده است. سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس روز اول بهمن‌ماه، به‌رغم داشتن صرفاً حدود "پنجاه دستگاه سفارش ماشین" و اعلام آمادگی هیکو به تولید "یازده هزار ماشین آلات معدنی" مورد نیاز کشور، از مصوبه صدور مجوز "واردات ده هزار ماشین آلات معدنی و راه‌سازی" خبر داد. یکی از کارگران هیکو، ۲۷ دی‌ماه، خواستار "ممنوعیت جدی واردات ماشین‌الآت" شده و گفته بود: "این مجموعه قدیمی و با سابقه را زمین نزنید!" در پیش‌برد سیاست ویرانگر تعدیل ساختاری و توزیع رانت، مطابق معمول، دولت رئیس‌ی و مجلس نیز همراهی کامل می‌کنند. فقط با مبارزه‌ای متحد و پیگیر می‌توان ادامه حیات هیکو و تولید در هیکو را به رژیم فاسد ولایتی تحمیل کرد.

CANADA'S
LEADING
SOCIALIST
NEWSPAPER

PEOPLE'S VOICE

NEWS FOR
PEOPLE
NOT FOR
PROFITS

عرصه‌های اصلی مبارزه جنبش کارگری در کانادا

LABOUR FACES KEY STRUGGLES IN 2022

EDITORIAL / JANUARY 10, 2022

حامی این مبارزات بوده است. در هر صورت، در موضوع مبارزات مردم وت سووتن علیه پروژه انتقال لوله نفت از زمین‌ها و محدوده اراضی آنان و مقاومت‌شان علیه اشغال مجدد نظامی از سوی پلیس فدرال کانادا (آر-سی-ام-پی)، اتحادیه‌های کارگران به طوری عجیب در حمایت از این مبارزات غایب‌اند. این در حالی است که برخی از اتحادیه‌های محلی و همکاران و بسیاری از کارگران به صورت انفرادی همبستگی‌شان را با مبارزات مردم وت سووتن اعلام می‌کنند. اما برخی از سندیکاها همانند کنگره کارگران کانادا (سی-آل-سی) تا به حال از این مبارزات حمایت نکرده‌اند. در هر صورت سکوت جنبش کارگری در برابر چنین تهاجم مستمر دولت سرمایه‌داری پذیرفتنی نیست و ما تأکید می‌کنیم چنین موضعی باید تغییر کند. یک دوره انتقال سبز برای مشاغل کارگران: بدون تردید بحرانی زیست‌محیطی وجود دارد. نیاز به کاهش میزان تولید کربن به شدت احساس می‌شود. ما هرروزه با "راه‌حلی‌های" تجارتی و به اصطلاح دوستانه مانند مالیات کربن و تجارت بیماران تبلیغاتی می‌شویم. این سیاست فشار را بر دوش کارگران می‌اندازد، در حالی که به ریشه اصلی بحران یعنی سرمایه‌داری نمی‌پردازد. تا کنون در این موارد کارهای نظری و عملی زیادی از جانب سازمان‌های کارگری در سراسر جهان انجام گرفته است. این راه‌حل‌ها برای برون‌رفت از بحران محیط زیست ریشه در تجربه‌ها و تحلیل‌های درست طبقه کارگر دارد. بهترین‌شان ضرورت انجام تغییر اساسی یعنی گزینش سوسیالیسم به جای سرمایه‌داری است. در عین حال می‌توان اصلاحات فوری را دیکال را نیز پیش برد که پویا و خلاقانه نیازهای کارگران و محیط زیست را هماهنگ می‌کند. برای پیروزی در این نوع اصلاحات و برای باز کردن درها به روی تغییرهای رادیکال‌تر، رهبران کارگری باید کار سخت، مشارکت، آموزش، و سازمان‌دهی کارگران را انجام دهند.

توده‌های مردم و زحمتکشان جز روبرویی با این چالش‌ها راه دیگری ندارند. پرسش اینجاست: آیا جنبش کارگری توده‌های مردم و زحمتکشان را رهبری خواهد کرد.

حزب کمونیست کانادا، سایت نشریه "صدای مردم"، ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۰
<http://peoplesvoice.ca/2022/01/10/labour-faces-key-struggles-in-2022/>

زحمتکشان مخابرات به‌رغم اخراج و تهدید به اخراج در ماه‌های اخیر مبارزه‌ای تحسین‌آمیز را به‌پیش هدایت کرده‌اند. بر اساس تبصره دوم ماده ۷ قانون کار: "در

هر خواننده‌ی نشریه کارگری و سوسیالیستی "صدای مردم" می‌داند که ما طبقه گسترده از مسئله‌ها را به‌خاطر طبقه کارگر و برای مبارزه در راه سوسیالیسم حیاتی می‌دانیم. در خلال سال ۲۰۲۱/۱۴۰۰، مبارزات حیاتی طبقه کارگر کانادا که تأثیر برخی از آن‌ها هنوز بر سال ۲۰۲۲ / اواخر سال ۱۴۰۰ پرتو اندازند را پوشش دادیم. بنابراین، برخی از عرصه‌های عمده مبارزه که باید در این سال انجام شود را می‌توانیم شناسایی و تعیین کنیم. اکنون آنچه به‌عنوان اولویت طبقه کارگر کانادا می‌توان در نظر گرفت عبارتند از:

مقاومت توده‌ای علیه ریاضت اقتصادی: در این مورد ما تعداد زیادی اعتصاب (که بعضی از آن‌ها با موفقیت نیز توأم بوده‌اند) در بخش خدمات عمومی در استان نیوبرانزویک را شاهدیم. این مبارزات برای افزایش دستمزد و بهبود وضعیت بازنشستگی و به‌خاطر آن‌ها در روبرویی با دولت محافظه‌کار بوده است. همچنین اعتصاب‌ها و اعتراض‌هایی مشابه در دیگر نقاط کشور جریان داشته است. در استان کبک کارکنان مهدکودک‌های بخش دولتی و خصوصی، در استان اونتاریو زنان کارگر اقلیت‌های قومی و مهاجر، کارگران بخش هتل‌داری در استان بریتیش کلمبیا (بی-سی)، کارگران بخش عمومی در استان آلبرتا، و چندین مورد دیگر نمونه‌هایی از مبارزات زحمتکشان هستند. این اعتراض‌ها نشانگر رشد مبارزات رزم‌جویانه و اساساً با ظرفیت حرکت مشترک و هماهنگ برای ارتقای مبارزه در سطح سیاسی است. این مسئولیت رهبری کارگران از اتحادیه‌های محلی گرفته تا کنگره کار کانادا (سی-آل-سی) است که از این حرکت‌های اعتراضی حمایت کرده چندان که کارگران مهر و نشان‌شان را بر این جنبش بزنند. بازسازی اتحاد طبقاتی، اتحاد طبقه کارگر کانادا: برای پیش بردن مبارزه علیه برنامه ریاضت اقتصادی دولت و مبارزه عمومی طبقه کارگر، شکاف درون سازمان‌های کارگری کانادا مانند اتحادیه‌های کارگری سی-آل-سی، اتحادیه یونفور، اتحادیه تیمسترز، و جز این‌ها، باید ترمیم شود. برای مؤثر بودن این اقدام به‌طور واقعی، اتحاد رزم‌جویانه و سیاسی و محمل آن باید اقدام وسیع توده‌ای باشد و بر اساس خواست‌های مستقل طبقه کارگر قرار گیرد. ریشه این اتحاد طبقاتی در برابری کامل جنسیتی، نژادی، و ملی است.

همبستگی با مردم بومی "وت سووتن": تعداد چشمگیری از مبارزات مردم بومی کانادا در سراسر کشور در جریان است. از دفاع از سرزمین خود، اجرای عدالت برای دختران و زنان مفقود گشته گرفته تا تأمین اجتماعی برای کودکان مردم بومی. جنبش کارگری به‌طور عمومی همیشه و با صدای رسا

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۵۵
 Nameh Mardom - Workers Supplement No.55

31 January 2022

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

004930
 23629727

